

معنی سیاسی چند حزب چیست؟

در شرق تا سال های آخر قرن ۱۹ میلادی چیزی به نام حزب وجود نداشت، هر تشکل تنها به دور آیین و مذهب بود. در سال های ۱۸۸۰ تا ۹۰ احزاب سیاسی مذهبی و لیبرال عرض وجود کردند و سید جمال الدین یکی از بانیان ظهور حزب در شرق میانه و مخصوصاً مصر به شمار می رود. آن زمان دو نوع حزب به میان آمدند؛ احزاب اسلامی و احزاب ملی گرا.

در اروپا و امریکا که حزب و حزب بازی کار آنان بود، نیز دو نوع احزاب سیاسی داشتند؛ راست یا چپ. در میان راستان و چپان نیز اندیشه های انترناسیونال و ملی گرایی یکی را از دیگر جدا می کرد.

در آن هنگام در غرب، مردم به دور یکی از احزاب جمع می شدند که یا راست بود و یا چپ، یا ملی گرا بود و یا انترناسیونال. پسان ها که اتحاد شوروی وارد بازار جنگ سرد شد، احزاب سوسیالیستی نیز در شرق ظهور کردند.

در هند نیز مقارن همین ایام احزاب سیاسی با همان مشخصات بالا تشکیل شدند و طرفداران افکار مختلف به دور احزاب موافق نظریات خویش پیوستند. نخبه های سیاست با زد و بند ها و یا انتخابات در درون احزاب در مقامات رهبری قرار می گرفتند و این وضع سال ها ادامه می یافت.

همین اکنون در امریکا، انگلستان، فرانسه و دیگر دموکراسی های اروپایی و امریکایی فقط دو یا سه تا چهار حزب سیاسی وجود دارد. حتی در پاکستان دو حزب قدرتمند با دو دیدگاه سیاسی هویت کلی سیاست پاکستان را تشکیل می دهد. احزاب اسلامی و محلی هرچند در آن قلمرو ثقل زیاد است، ولی در برابر احزاب بزرگ قابل اعتنا نیستند. در هند فقط چند حزب عمده تنها در خط های فکری وجود دارند و همین قاعده در مورد احزاب منطقه ای هند نیز معتبر است.

ولی افغانستان را چه ویروسی بیمار ساخته است

که به تعداد نفوس حزب سیاسی دارد؟ کشور بدبختی که از خود پرستی افراد و تعدد احزاب و رهبر میلیون ها کشته داد و تریلیون ها دالر صدمه اقتصادی برداشت، یک تا دو نسل انسان ها فدا شدند و در بیهودگی مغروق گشتند؛ باز با همان ویروس آلوده شده است. هر ملک و قریه دار، هر مولوی و آخوند، هر روشنفکر و مقاله نویس یک حزب سیاسی تأسیس کرده اند. این مرض چیچک است که در هر گوشه خال و داغ زده است؟

برای این احزاب تعریفی نمی توان قایل شد. اگر چپ هستند، چند نوع چپ داریم؟ حتی در یک دست نیز از پنج انگشت بیشتر نیست. اگر راست، اگر مسلمان و اگر کافر، اگر ناسیونال و اگر انترناسیونال؛

در دنیا چند نوع تفکر عمده سیاسی وجود دارد که ارزش ایجاد حزب داشته باشد؟

از برای خدا!!! یکصد و هفتاد حزب؛

هنوز هم یکصد و هفتاد راه در پیشروی این ملت بدبخت قرار دارد؟

و حالا که در افغانستان از برکت بانکداران و فریماسونر های فتنه انداز و آشوب برانگیز، سودای خصومت اقوام نیز باعث ایجاد حزب شده است، احتمال تاسیس یکصد و هفتاد حزب در درون هر یک از اقوام نیز وجود دارد. خدا را، ما کجا می رویم؟؟؟

شرم است اگر مدعیان رهبری، که احزاب سمارقی ایجاد کرده اند، اگر احزاب خویش را در خطوط و مرزهای عقیدتی و فکری به یکدیگر ادغام نکنند.

عبدالرحمن و نادر رفت، امریکا و سی آی ای هم رسوا شدند، این بار تباهی و رسوایی جدید را شما رهبران احزاب نازل می کنید؟ قدیم و جدید. همه در این منزل، با شیطان دست می دهند، اگر که به ادغام احزاب دست نزنند.

معنی سیاسی یکصد و هفتاد حزب، آشوب و خیانت دیگری است که آشکارا علامت خود خواهی های افراد است و هیچ مفهوم و مشروعیت دیگری ندارد و با فرهنگ سیاست جامعه بالغ مغایرت دارد.

تعدد احزاب در افغانستان علامت ناپختگی، خود خواهی و بی مسنولیتی عظیمی است که روزی مانند جنایات جاسوس مآبانه عبدالرحمن و دوران آشوب سی ساله رسوا خواهد شد.

این را این بار شما، ای رهبران یکصد و هفتادگانه سیاسی افغانستان، بدون کمک صهیونیزم و بانکداران میسر می سازید؛

شما مدعیان سیاست و نهضت و نجات و فلاح ؛

اگر که خود خواهی را کنار نگذارید و به ادغام احزاب

خویش نپردازید!!!